اخبار

غارت خانه باغ های روئین

صدیقی- سارق یا سارقان مدتی است که به خانه باغ های اطراف روستای روئین دستبرد می زنند و اموال صاحبان شان را سرقت می کنند. به گفته صاحب یکی از خانه باغ ها، هر سال با شروع زمستان و کم شدن میزان رفت و آمد به باغ های میوه، سارقان از این فرصت سوءاستفاده می کنند و به خانه باغ ها دستبرد می زنند که این موضوع باعث گلایه مال باختگان شده است. یکی از مال باختگان گفت: این چندمین سال است که با شروع زمستان و کم شدن رفت و آمد به خانه باغ ها دچار خسارت می شوم و سارق یا سارقان به اموال خانه باغم دستبرد می زنند.

وی ادامه داد: اوایل خانه باغم را از خشت و گل درست کرده بودم اما زمانی که در ورودی و دیوار آن توسط سارقان تخریب شد و اموال داخلش به سرقت رفت اقدام به ساخت دیوار سیمانی کردم. وی افزود: وقتی چند روز قبل به خانه باغم سر زدم در کمال تعجب دیدم سارق یا سارقان با شکستن قفل در ورودی، اموال داخل آن از جمله کپسول گاز، ظروف آشپزی و پیک نیک را به یغما برده اند.

وی اظهار کرد: البته بعد از پیگیری متوجه شدم سرقت ها تنها مختص به خانه باغ من نبوده و از خانه باغ همسایه ها نیز سرقت شده است و سارق یا سارقان از فرصت خلوت بودن محل سوء استفاده کرده و دست به سرقت زده اند. بعد از آن پلیس را در جریان گذاشتیم تا هر چه زودتر مسببان این وقایع دستگیر شوند.

کشف ۱۲۰۰ لیتر سوخت قاچاق

صدیقی- هزار و ۲۰۰ لیتر سوخت قاچاق از نوع گازوئیل در بجنورد کشف شد. مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی گفت: ماموران کلانتری ۱۲ بجنورد بعد از بازرسی از یک دستگاه تانکر موفق به کشف این مقدار سوخت قاچاق شدند.

«سیدالموسوی» افزود: گزارش تخلف از سوی مراجع انتظامی به تعزیرات حکومتی استان ارسال شد و در شعب ویژه به منظور صدور حکم در حال رسیدگی است.

قاب دوربین

تصادف پراید با ۲ مصدوم در بجنورد

ماجرای فرار و در به دری یک زندانی

مردی که از ترس سیاهی به کوره افتاد

صدیقی

پیچ های خطرناک زیادی را پشت سر گذاشت اما با غفلت و البته طمع، فرمان زندگی اش را به دست دوستش سپرد و به ته دره سقوط کرد. برای پرداخت طلب شاکیان به جاده خاکی زد، در گرد و غبار سوداگری مواد گم شد و سر از زندان درآورد. حالا پشیمان است اما نه راه پس دارد و نه راه پیش، باید تاوان گناه قانون گریزی اش را با قرار گرفتن پشت میله های زندان پس بدهد. در ادامه گفت و گوی ما را با این زندانی می خوانید.

چند وقت است و به چه جرمی در حبس هستی؟

نزدیک به ۴ سال است که به جرم قاچاق مواد در زندان هستم و آینده، عمر و زندگی ام را به باد فنا دادم.

شغل ات چه بود و چند فرزند داری؟

ماشین سنگین داشتم، البته قبل از رانندگی به شکل سیار کاسبی می کردم و وضع مالی ام بد نبود. بعد از آن به شکل قسطی ماشین سنگین خریدم که به دلایل مختلفی نتوانستم اقساطش را پرداخت کنم و ورشکست شدم. دو فرزند دارم که آینده آن ها را هم خراب کرده ام.

چرا به سمت قاچاق مواد رفتی؟ کمی از ماجرا تعریف کن.

از سر ناچاری، البته طمع کردم. بعد از مدت ها کار و کاسبی و رانندگی در جاده ها ورشکست شدم و به خاک سیاه نشستم. قبل از رانندگی کاسبی می کردم و چون دور از دود بودم توانستم زندگی خوبی را برای خانواده ام فراهم کنم. بعد از این ماجرا روزی دامادمان به من پیشنهاد داد با هم یک تریلی به صورت لیزینگ بخریم که زمان تحویل گرفتن ماشین و پرداخت مبلغ اولیه او خودش را کنار کشید و همه بار روی دوش من افتاد. بعد از تحویل گرفتن تریلی مشغول به کار شدم اما به خاطر بی کیفیتی اش مدام در تعمیرگاه ها بودم و چند بار خودرویم واژگون شد. با ادامه این روند کم کم اقساط وامی را که گرفته بودم و همچنین اقساط ماشین عقب افتاد و ورشکست شدم و تصمیم گرفتم ماشین را بفروشم. زمانی که ماشین را در یک بنگاه اتومبیل برای فروش گذاشتم صاحبش سرم کلاه گذاشت و پول تریلی را بالا کشید. وقتی بدهی بالا آوردم فراری شدم و حدود ۶ سال در خفا و غربت زندگی کردم.

بعد از این که دار و ندارم را از دست دادم به تهران رفتم و ۶ سال تنها در آن جا مسافرکشی کردم. در این مدت فقط هر چندوقت یک بار به زادگاهم برمی گشتم و به صورت پنهانی و شبانه به خانواده ام سر می زدم و بعد از چند روز دوباره به تهران برمی گشتم. روزی که مشغول مسافرکشی بودم یکی از دوستانم را دیدم، به من پیشنهاد داد برای خلاص شدن از آن وضعیت با او مدتی در زمینه قاچاق مواد همکاری کنم تا دوباره به زندگی ام سر و سامانی بدهم. چون مغزم به خاطر گرفتاری ها و بدهی ها قفل کرده بود قبول کردم و همین ماجرا باعث شد از چاله به چاه بیفتم.

چطور دستگیر شدی؟

یک خودروی شخصی داشتم که با آن مسافرکشی می کردم. بار اول حدود ۱۰۰ کیلو تریاک در صندوق عقب خودرویم گذاشتم و از بیراهه و جاده خاکی آن را به مقصد رساندم. بعد از این اتفاق صاحب محموله خودش را مدتی غیب کرد و با امروز و فردا کردن برای پرداخت دستمزد مدتی مرا پیچاند. یک ماهی گذشت تا این که دوباره خودش را آفتابی کرد و با هزار ترفند و دوز و کلک نه تنها دستمزدم را نداد بلکه مرا راضی کرد تا یک محموله دیگر را برایش جا به جا کنم و گفت یک جا با من تسویه می کند. از سر ناچاری قبول کردم چون از یک طرف بدهکار و فراری بودم و از طرف دیگر می خواستم پول بار اول جا به جایی مواد را از او بگیرم. دوباره مثل مرتبه اول بعد از خرید حدود ۱۰۰ کیلو تریاک از یک قاچاقچی در یک شهر مرزی آن را داخل صندوق خودرویم گذاشتم و در جاده خاکی به راه افتادم تا این که وارد جاده اصلی شدم. بعد از پشت سر گذاشتن چند ایست و بازرسی قبل از ایستگاه پایانی در یک ایست و بازرسی گیر و به زندان افتادم.

بعد از دستگیری صاحب بار اصلی هم گیر افتاد؟

بله، بعد از دستگیری به ۱۰ سال حبس و پرداخت مبلغ زیادی جریمه محکوم شدم. صاحب اصلی بار هم بعد از مدتی دستگیر و به ۱۰ سال حبس و پرداخت جریمه محکوم شد.

آیا مبلغی که قرار بود از راه قاچاق بگیری ارزش زندانی شدن را داشت؟

نه، معلوم است که هیچ چیزی ارزش زندان رفتن را ندارد. در آن موقع فکرم کار نمی کرد و تحت فشار بودم که تن به کار خلاف دادم. ای کاش آن موقع به جای فرار به دلیل نپرداختن اقساط به زندان می افتادم تا این که به جرم مواد به زندان بیفتم. بعد از این که زندانی شدم، خانواده ام دچار هزار و یک مشکل ریز و درشت شدند. اگر مادر همسرم به زن و فرزندانم پناه نمی داد معلوم نبود چه سرنوشتی پیدا می کردند. همسرم بعد از این که زندانی شدم خیاطی کرد و با یارانه و همچنین کمک های مادرش زندگی مان را تا الان سر پا نگه داشته است. به جای این که من به فرزندانم دلداری بدهم آن ها به من امید و دلداری می دهند تا بتوانم غم دوری آن ها و حبس را تحمل کنم. البته مدتی است که در بند آزاد هستم و روزها کارگری می کنم تا کمک خرج خانواده ام باشم و شب ها به زندان برمی گردم.

حرف آخر.

خودم مقصر اصلی این اتفاقات شوم بودم و پشیمانی سودی ندارد و آب رفته به جوی باز نمی گردد. شاید اگر زمانی که ورشکست شدم خواهر و برادرانم به من کمک می کردند دچار این مشکلات نمی شدم. اگر خانواده ام دستم را می گرفتند زندگی ام را از دست نمی دادم و وارد کارهای خلاف نمی شدم، نه فراری می شدم و نه قاچاقچی و از همه مهم تر این که بدهی بالا نمی آوردم. نیمی از ۱۰ سال حبس ام را عفو خوردم و الان تنها مشکل ام پرداخت جریمه برای آزادی است که در توانم نیست و باید به جای آن در حبس باشم.

حادثه در شهر

قصر بادی که هوا رفت

صدیقی- سارق یا سارقان با دستبرد به یک خودرو و سرقت اموال گران قیمت و محتویات داخل آن فرصت شادی را از یک پدر و مادر گرفتند. پدر خانواده که به منظور خرید قصر بادی برای دوقلوهایش اقدام کرده بود نمی دانست سارق یا سارقان قبل از این که او فرصت کند این شادی را به فرزندانش هدیه کند او را غمگین خواهند کرد.

مال باخته گفت: بعد از سال ها بالاخره به آرزوی مان رسیدیم و صاحب فرزندان دوقلویی شدیم. به خاطر این اتفاق و بعد از گذشت مدتی با همسرم تصمیم گرفتیم یک قصر بادی کوچک برای آن ها بخریم و شادشان کنیم. روز حادثه نزدیک غروب بود که از خرید به خانه برگشتیم اما قبل از این که فرصت پیدا کنیم وسایل خریداری شده را از خودرو خارج کنیم به خاطر بد شدن حال دوقلوها با خودروی خواهرم آن ها را به بیمارستان بردیم.

وقتی از بیمارستان به خانه برگشتم و سراغ خودرویم که در کوچه پارک شده بود، رفتم در کمال تعجب دیدم اثری از قصر بادی بچه ها و همچنین کفش های گران قیمت کوهنوردی ام نیست. گویا سارق یا سارقان بدون شکستن در خودرو آن را به طرز ماهرانه ای باز کرده و محتویات داخلش را به سرقت برده بودند.

خبر

دستگیری دو سارق با ۱۶ فقره سرقت در شیروان

فرمانده انتظامی شیروان از دستگیری ۲ سارق حرفه ای با ۱۶ فقره سرقت از داخل خودرو در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ«مسعود وحیدی» با اعلام جزئیات این خبر گفت: در پی اعلام خبری مبنی بر این که افرادی با هویت نامعلوم به چندین فقره سرقت در این شهرستان اقدام کرده اند، مأموران پلیس اقدامات لازم را برای دستگیری سارقان انجام دادند.

وی با اشاره به این که ماموران کلانتری ۱۱ شیروان با گشت زنی های هدفمند و همچنین رصد نقاط حاشیه شهر و جرم خیز موفق شدند افراد مورد نظر را شناسایی کنند، افزود: ماموران به محض شناسایی این افراد و همچنین با هماهنگی مقام قضایی آن ها را دستگیر و برای تکمیل تحقیقات به مقر انتظامی منتقل کردند. این مقام انتظامی تصریح کرد: متهمان در تحقیقات صورت گرفته به ۱۶ فقره سرقت از داخل خودرو در شیروان اعتراف کردند و برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

وی خاطرنشان کرد: اقلام سرقت شده بعد از هماهنگی با مقام قضایی به مال باختگان تحویل داده شد.